

فرهنگ و زندگی کوثری و تکاثری (قسمت دوم)

حجت الاسلام سید محمد رضا علامه‌الدین ■

فران پژوه و استاد راهنمای سطوح حوزه علمیه اصفهان

■ اشاره:

در قسمت اول این موضوع، واژه تکاثر، ریشه های بروز تکاثر (حس افزون طلبی) و عوارض و ضایعات تکاثر در مسائل

اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی مطرح گردید. اکنون در قسمت دوم این موضوع به نشانه هایی از زندگی تکاثری از جمله

تفاخر (فخر فروشی) پرداخته و آنگاه به بررسی چند گزاره اخلاقی در زندگی و فرهنگ تکاثری می پردازیم.

■ چکیده:

زندگی دنیا و همه امکانات آن از مدت عمر آدمی، مواهب و نعمات خدادادی، نیرو و فکر و ابزارها و تعلیمات و تجربه هایی که در اختیار آدمی قرار گرفته است، مزرعه ای است برای آخرت و تجارت گاهی است که در صورت معامله صحیح حداقل سود آن دست یابی به نعیم جاودانه بهشت می باشد. براین اساس

آیات و حیانی قرآن کریم و تعلیمات قرآنی، مردم را به معرفت یابی هوشیارانه و عاقبت اندیشانه نسبت به دنیا و آنچه در آن است دعوت نموده تا با چنین آگاهی و شناختی زندگی خود را وسیله ی فراهم ساختن کمالاتی سازد که از او خواسته شده و به خیر و سعادت جاودانه رهنمود کند که برای او فراهم شده است و از آنچه مایه ی بدبختی و بد عاقبتی و سقوط به اسفل السافلین است دوری گزیده و نجات یابد. قرآن کریم دو نوع فرهنگ و زندگی را پیش روی مخاطبان خود ترسیم نموده است. قرآن کریم، این دو زندگی را در برابر بشریت در پرده هائی زنده چنان مْصور می سازد که سراسر جان آدمی را تحت تأثیر قرار می دهد و همه ی قلب را مجذوب حقایق آن می سازد. در این مقاله نشانه هائی از زندگی تکاثری همچون لهو و لعب، فخر فروشی به یکدیگر و نازیدن به فزونی اموال و سایر چیز هائی که سبب ساز تفاخر است مطرح گردیده و چند گزاره اخلاقی از زندگی و فرهنگ تکاثری مورد بررسی قرار گرفته است.

۵- پیری و کهنسالی: تکاثر در اموال و اولاد

انما الحیوه الدنیا و تکاثر فی الاموال و الاولاد

■ کلید واژه :

اخلاق، تکاثر، تفاخر، زندگی، فرهنگ

■ نشانه های زندگی تکاثری :

انسان موجودی فزون طلب، زیاده خواه، حریص بر اموال و فرزندانش در دوران پیری می باشد و این امر حکایت از تکاثر طلبی انسان دارد. آیات ۳۲ سوره انعام، ۳۸ و ۶۹ سوره توبه، ۱۰۳ و ۱۰۴ سوره کهف گرفتاران زندگی تکاثری را اینچنین معرفی نموده اند.

بازی خوردگانی که سر گرم بازی دنیا شده اند

دنیا طلبانی که نعمت زود گذر و ناپایدار دنیا را بر نعمت های پایدار جهان آخرت ترجیح می دهند

ضرر دیدگانی که در عین زیان دیدن به کار هائی می پردازند که سودی برای آنها ندارد.

رسول گرامی اسلام (ص) فریب خوردگان تکاثر طلب دنیا را فاقد عقل و شعور و علم دانسته اند (مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۱۲۲)

و امام علی (ع) تکاثر طلبان تفاخر پیشه را به سوارانی خفته تشبیه نموده که کاروانشان در حرکت است و آنگاه بیدار می شوند که تباه شده اند و همه چیز خود را از دست داده اند (نهج البلاغه، ۱۱۵/۳ (عبد ۱۶۵/۳))

قرآن کریم یکی از نشانه های بارز زندگی تکاثری را تفاخر می داند (و زینه و تفاخر بینکم) زندگی تجملی و تفاخری که مملو از کبر، اسراف، غرور و نفاق و طغیان گری و حیوان گرایی است، زندگی است که از مسیر حق و عدالت منحرف و از جاده انسانیت و فضیلت به دور و از میانه روی فرا رفته و فناپذیر شده و پژمردگی و تباهی سراسر آن را فرا گرفته است

زندگی تکاثری زندگانی است که آدمی آن را همچون هدفی اصلی در نظر می گیرد یعنی یک زندگی کور و حیوانی که تمامی تلاش های آدمی کسب لذات و تکاثر مالی و مصرف گرایی و تجمل پرستی و زندگی متصف به این صفات است. قرآن کریم چنین زندگی را اینچنین ترسیم نموده است. (اعلموا انما الحیاه الدنیا لعب و لهو و زینه و تفاخر بینکم و تکاثر فی الاموال و الاولاد) بدانید که زندگی این جهان بازی و سرگرمی و آرایشی و فخر فروشی به یکدیگر و نازیدن به فزونی اموال و فرزندان است.

انسان در هر مرحله ای از مراحل زندگی دنیوی دارای روحیه و گرایش متفاوت با مرحله قبل و مرحله بعد است.

۱- کودکی: بازی

انما الحیوه الدنیا لعب

۲- نوجوانی: لهو- اشتغال به کارهای سرگرم کننده

انما الحیوه الدنیا و لعب و لهو

۳- جوانی: طالب زینت و خود نمائی

انما الحیوه الدنیا و لعب و لهو و زینه

۴- میان سالی: تفاخر و فخر فروشی به دیگران

انما الحیوه الدنیا ... و تفاخر بینکم

و دلبستانگان آن دچار بی خردی ، کوری دل و سستی دین و سقوط در ظلمات شده و می شوند .

■ تفاخر :

تفاخر یکی از نشانه های زندگی تکثاری است. تفاخر به معنی مباحات کردن در امورى مانند مال و مقام (راغب اصفهانی ، مفردات ، ص ۲۷۶) واژه فخر) و نیز خود را بزرگ وانمود کردن است . (لسان العرب ، ج ۱۰، ص ۱۹۸) واژه فخر) قرآن کریم زمینه های تفاخر را اینچنین بر شمرده است ، برخوردارى از نعمت و ثروت زیاد بدون ظرفیت های روحانى، ایمانى و اخلاقى ، جهالت، خود پسندى و عجب، دنیا خواهى ، ریا کارى ، شرک ، قدرت زیاد و کثرت فرزند و همراهى شیطان با آدمى که این امور منشأ ، زمینه و خیزشگاه تفاخر و فخر فروشى به دیگران است .

■ زمینه های تفاخر :

با بررسی ترجمه و تفسیر آیات (حدید ۲۰-۲۳) ، (هود-۱۰) ، (کهف- ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۳۹ و ۴۲) ، (قصص- ۷۶ و ۷۹) ، (تکاثیر- ۵ تا ۵) ، (نساء- ۳۶ و ۳۸) ، (لقمان- ۱۸) ، (فصلت- ۱۵) ، (زخرف- ۵۱) ، (سبا- ۳۶ و ۳۸) زمینه های ایجاد تفاخر مشخص می گردد.

۱- بهرمندى از نعمت: (وَ لِّئِنْ أَذَقْنَاهُ نِعْمَاءَ بَعْدَ ضَرَاءٍ مَسْتَهْجَةٍ... إِنَّهُ لَفَرِحَ فَخُورٌ) (هود-۱۰)

۲- بهره مندى از ثروت زیاد: (إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى... لَا تَفْرَحُ إِنَّ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ...) (قصص- ۷۶ و ۷۹)

۳- جهالت ریشه برتر نمائی: (الهاكُمُ التَّكَاثُرُ * حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ) (تکاثیر- ۱ تا ۵)

۴- خود پسندى و عجب : (ان الله لا يحب من كان مختالا فخورا) (نساء- ۳۶)

۵- دنیا خواهى : (اعلموا أنما الحياة الدنيا لعبٌ و لهوٌ و زينةٌ و تفاخر بينكم) (حدید- ۲۰)

۶- ریا : (و الذين ينفقون اموالهم رياء الناس) (نساء- ۳۶ و ۳۸)

۷- شرک : (و اعبدوا الله و لا تشركوا به شيئا...) (نساء- ۳۶)

۸- بهره مندى از قدرت زیاد : (فأما عاد فاستكبروا فى الارض بغير الحق) (فصلت- ۱۵)

۹- بهره مندى از کثرت فرزند : (و قالوا نحن اكثر اموالا و اولادا و ما نحن بمعذبين) (سبا- ۳۵)

۱۰- همراهى شیطان با آدمى : (و من يكن الشيطان له قرينا فساء قرينا) (نساء- ۳۸)

انواع تفاخر :

قرآن کریم در آیات متعدد به ذکر انواع تفاخر پرداخته است . با بررسی ترجمه و تفسیر آیات (هود- ۲۷ و ۱۰) ، (شعراء- ۱۰۵ و ۱۱۱) ، (کهف- ۳۲ و ۳۴) ، (تکاثیر- ۱ و ۲) ، (سبا- ۳۵) ، (کهف- ۳۴) ، (فصلت- ۱۵) ، (قصص- ۷۶ و ۷۹) ، (مریم- ۷۳) ، (توبه- ۱۹) ، (حدید- ۲۳) ، (مومنون- ۱۰۱) ، (بقره- ۲۰۰) ، انواع تفاخر مشخص می گردد.

۱- تفاخر به اشرافیت : (فقال الملا الذين كفروا من قومه ...) (هود- ۲۷)

نیز در آیات متعدد مطرح نموده است. با بررسی ترجمه و تفسیر آیات

(تکاثّر-۱ و ۲)، (نساء-۳۶ و ۳۷)، (حدید-۲۳ و ۲۴)، (مریم-۷۳)، (لقمان-۱۸)، (کهف-۳۷، ۳۸ و ۴۲)، (قصص-۷۶، ۷۷ و ۸۱)، (سبا-۳۴ و ۳۵) آثار تفاخر در صحنه زندگی فردی و اجتماعی انسان مشخص می گردد.

۱- اعراض از یاد خدا : (فادا فضیتم مناسککم فانکروا الله کذکرکم آباءکم و اؤشد ذکرا) (بقره-۲۰۰)

۲- اعراض از یاد آخرت : (الهاکمُ التکاثّر حتی زرتم المقابر) (تکاثّر ۱ و ۲)

۳- تأثیر ناپذیری از قرآن و تلاوت آن : (و اذا تتلی علیهم آیاتنا بینات قال الذین کفروا ...) (مریم-۷۳)

۴- کتمان فضل خدا : (و یکتُمون ما آتاهم الله من فضله) (نساء ۳۶ و ۳۷)

۵- کفران نعمت : (و یامرون الناس بالبخل و یکتُمون ما آتاهم الله) (نساء-۳۷ و ۳۸)

۶- محرومیت از محبت خدا : (ان الله لا یحب من کان مختالا فخورا) (نساء-۳۶)

۷- ممانعت از پذیرش دعوت انبیاء(و)ما ارسلنا فی قریه من نذیر الا قال مترفوها انا بما ارسلتم به کافرون(سبا ۳۴ و ۳۵)

۸- محرومیت از نصرت خدا : (و لم تکن له فئه ینصرونه من الله و ما کان مُنتَصِرا) (کهف-۴۳)

۹- خروج از ایمان و دخول در کفر : (و هو یحاوره اکفرت بالذی خلقک من تراب)

۱۰- ممانعت از احسان و انفاق : (و بالوالدین احسانا ... ان الله لا یحب من کان

۲- تفاخر به ملک و باغ : (و اضرب لهم مثلاً رجُلین جعلنا لاهدهما جَنَّتین من اعناب ...) (کهف-۳۲ و ۳۴)

۳- تفاخر به ثروت : (و نادى فرعون فی قومه قال یا قوم ...) (زخرف ۵۱ و ۵۲)

۴- تفاخر به جمعیت : (الهاکمُ التکاثّر حتی زرتم المقابر) (تکاثّر ۱ و ۲)

۵- تفاخر به فرزند : (انا اکثر منک مالاً و اعز نفراً) (کهف-۳۴)

۶- تفاخر به قدرت : (أم أنا خیر من هذا الذی هو مهین و لا یکاد یبیین) (زخرف ۵۱ و ۵۲)

۷- تفاخر به گنج ها و فلزات ارزشمند : (و آتیناه من الكنوز ما ان مفاتحه لتنوا بالعصبه) (قصص-۷۶ و ۷۹)

۸- تفاخر به مردگان : (الهاکمُ التکاثّر حتی زرتم المقابر) (تکاثّر-۱ و ۲)

۹- تفاخر به موقعیت اجتماعی : (قال الذین کفروا للذین آمنوا ای الفریقین خیر مقاما) (مریم-۷۳)

۱۰- تفاخر به نعمت های زود گذر : (و لا تفرحوا بما آتاکم و الله لا یحب کل مختالا فخورا) (حدید-۲۳)

۱۱- تفاخر به نیاکان : (فادا فضیتم مناسککم فانکروا الله کذکرکم آباءکم و اؤشد ذکرا) (بقره-۲۰۰)

۱۲- تفاخر به خدمات اجتماعی : (اجعلتم سقایه الحاج و عمّاره المسجّد الحرام) (توبه-۱۹) (مراجعه به تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۱۹۸، روایت امام محمد باقر (ع))

■ آثار تفاخر :

قرآن کریم آثار شوم و نفرت انگیز تفاخر را

۱۱- نابودی ثروت و گرفتاری به فقر و بدبختی : (اِنَّ قَارُوْنَ كَانَ ... فُجِسْنَا بِهِ وَ بَدَارَهُ الْاَرْضُ) (قصص- ۸۱)

۱۲- گرفتاری در شهوات و هوس های دنیائی: (اعلموا انما الحياه الدنياه لعب و لهو و زينه و تفاخر بینکم (حدید - ۲۰)

۱۳- گرفتاری به ردائل اخلاقی :

الف) بخل ورزی : (الذین یبخلون و یأمرون الناس بالبخل) (حدید ۲۴)

ب) تکبر : (و لا تصعر خدک للناس) (لقمان - ۱۸)

ج) غرور : (و لا تمش فی الارض مرحا ان الله لا یحب کل مختالا فخورا) (لقمان - ۱۸)

یکی از مصادیق زندگی تکثیری اخلاق رذیله متکثران است . زندگی و فرهنگ متکثران و تفاخر کنندگان چنان دستخوش انحراف، پزمردگی و سقوط می گردد که با هرکس روبرو گردند حيله ای در نظر گیرند و با تکبر، فخر فروشی، نفاق، ستمگری و طغیانگری به غصب، سرقت و دزدی و فزون طلبی پرداخته و بر روح خود چهره ای حیوانی ببوشانند.

امام صادق (ع) خصوصیات اخلاقی و رفتاری متکثران مترف را اینچنین ترسیم نموده است: (دنیا همچون پیکره ای است که سر آن تکبر است و چشم آن حرص و گوش آن طمع و زبان آن ریا و دست آن شهوت و پای آن خود پسندی و دل آن غفلت و بود آن نبود و حاصل آن بی حاصلی است. پس هر کس آن را دوست بدارد کبر را از آن به ارث می برد و هرکس آن را بیسندد حرص و آز بهره اش می شود و هر کس آن را بجوید به طمع افتد، و هر کس

ستایشگر آن باشد به ریا گرفتار گردد، و هر کس خواهان آن شود خود پسندی بر جاننش چنگ زند و هر کس دل به آن خوش و آرام دارد غفلت

بر او چیرگی یابد و هر کس دلباخته ی متاعش گردد او را همواره مفتون سازد و هر کس (ثروت) آن را گرد آورد و بدان بخل ورزد او را به جایگاه خویش یعنی دوزخ کشاند .

■ بعضی از خصوصیات اخلاقی متکثران :

تکبر : تکبر از ماده کبر و آن حالتی در انسان است که بر اثر خود پسندی ، خویش را برتر از دیگران ببیند . (راغب اصفهانی ، مفردات ، ص ۶۹۷) (واژه کبر) امام علی (ع) مردم را نسبت به این رذیله اخلاقی هشدار داده و فرموده اند : مبدا به شرف و تبار و حسب و نسب و ثروت ، خود را برتر از دیگران بدانید و علت فقر و محرومیت محرومان و ضعفا را از خدا بدانید . (سید رضی ، نهج البلاغه ، صفحات ۷۸۵ و ۷۸۶)

امام صادق (ع) فرموده اند: کسی که در خود نسبت به دیگران برتری ببیند از مستکبران و خود بزرگ نمایان است (کلینی ، اصول کافی ، جلد ۸، ص ۱۲۸) . با بررسی آیات ۲۷ هود، ۳۲ تا ۳۵ کهف، ۱۴۶ اعراف، ۳۸ نساء ، ۷۶ و ۷۸ قصص، ۷۵ و ۷۶ صاد زمینه های تکبر مشخص می گردد. قرآن کریم در این آیات و حیانی اشرافیت، بهره مندی از امکانات و نعمات بدون داشتن ظرفیت ایمانی، تکذیب آیات خدا، همراهی با شیطان ، علم بدون تهذیب و بدون یاد آخرت، غفلت از آیات و یاد خدا، نژاد پرستی و تعصب جاهلانه را به عنوان زمینه های پیدایش و استمرار تکبر قلمداد نموده است . همچنین خداوند تبارک و تعالی در آیات ۱ و ۲ و ۷۵ تا ۷۷ صاد، ۳۴ و ۳۵ غافر ، ۱۴۶ اعراف ، ۶۰

(ای کسانی که ایمان آورده اید صدقات خود را با منت نهادهن و آزدن باطل نکنید مانند آن کسانی که مالش به ریا برای خود نمائی به مردم انفاق می کند ولی به خدا و روز واپسین ایمان ندارد) (مثل چنین منافقی مثل سنگ سخت و صافی است که خاکی اندک بر آن نشسته باشد پس باران تند و درشتی به آن برسد و آن سنگ را بدون خاک و گیاه وا گذارد)

صدقه و انفاق او نظیر خاکی است که باران آن را می شوید و ریا کاران منافق یه چیزی از آنچه کسب کرده اند دست نمی یابند .

ستمگری و طغیان گری: متکاثران ستمگران ظالمی هستند که یا در حق خود و یا به دیگران ظلم می کنند. قرآن کریم ستمکاری آنها را اینچنین ترسیم نموده است: (و دخل جنته و هو ظالم لنفسه) (کهف آیه ۳۵) و آن مرد توانگر به باغ خود وارد شد و او در حق خود ستم می کرد و (ان الله لا یظلم الناس شیئاً و لكن الناس انفسهم یظلمون) (یونس آیه ۴۴)

خصوصیت دیگر متکاثران طغیان گری است (کلا ان الانسان لیطغی ان راه استغنی) (علق آیات ۷۰) (ولما من طفی و اثر الحیاه الدنیا فان الجحیم هی الماری) (نازعات ۳۷ و ۳۸)

خداوند این ستمگران طغیانگر را غرق در نعمت می کند و آنها را در مرحله استدرج قرار می دهد و آنها با غفلت ورزی، قدر ناشناسی، کفران نعمت و حق نا گذاری ، نعمات خداوندی را تبدیل به نعمت نموده و اسباب سقوط خود را فراهم می نمایند .

شاد خواری (مترفی): از دیگر خصوصیات اخلاقی و رفتاری متکاثران شاد خواری مترفی است منظور از شاد خواری مترفی زندگی در ناز و نعمت (مرفهان بی درد) است که اموال بدست آورده از راه غصب ، اجحاف و سرقت را

زمر، ۶۲، اسراء ، ۲۷ ، هود ، ۱۲ و ۱۳ اعراف و ۷۵ آل عمران به ذکر آثار تکبر پرداخته و آثاری همچون خروج از جنت ، اسراف ، اعراض از آیات خدا ، افتراء به خدا ، انتقام جوئی ، بخل ورزی و ترویج آن ، تحقیر مومنان ، تضییع حقوق مردم ، تمرد ، جدال ، حق ناپذیری ، ختم قلب ، خیانت ، ریا ، گناه و گمراهی را از مهم ترین آثار تکبر و خود پسندی و غرور دانسته است .

انفاق : به معنی دو روئی ، پوشاندن کفر و آشکار کردن ایمان ، کسی را که به نفاق متصف است منافق می گویند . خداوند در قرآن کریم در آیات زیادی به منافقان و نفاق اشاره کرده است . قرآن کریم در سوره بقره آیات ۱۴۲ ، ۱۳۸ ، ۱۴۰ و ۱۴۳ سوره نساء ، ۶۷ توبه ۴ ، منافقون ، نشانه های نفاق و منافقون را مشخص نموده است .

قرآن کریم منافقین را افرادی بی شخصیت ، میان تهی و مثل مجسمه های بی روح و وابسته و مترسک های فریبکار که همیشه سر گردان و متغیر و راهنمای باطل و فساد هستند معرفی نموده است . مرض نفاق از جمله امراض متکاثران مترف است . در قرآن آمده است : (سیقول لک المخلفون من الاعراب ، شغلقتا اموالنا و اهلونا فاستغفرلنا یقولون یا فواهم مالیس فی قلوبهم) (سوره فتح - آیه ۱۱)

(به زودی اعراب متخلف که در جهاد با تو شرکت نداشتند به تو خواهند گفت : محافظت از اموال و خانواده ما را مشغول کرد . پس برای ما آموزش طلب و آنها به زبان هایشان چیزی را می گویند که در دل هایشان نیست) (و آن را قبول ندارند)

همچنین در قرآن آمده است: (یا ایها الذین آمنوا لا تبطلوا صدقاتکم بالمن و الاذی کالذی ینفق ماله رثاء الناس و لا یومن بالله و الیوم الآخره فمئلہ کمثل صفوان علیہ تراب فاصابہ وابل فترکه صلدا)

با اسراف و اتراف هزینه نموده و با جاه طلبی تمام به تجمل و ترویج آن می پردازند. از جمله نتایج چنین زندگی مخالفت با انبیاء و صالحان و زیر بار حرف حق نرفتن می باشد.

در قرآن کریم آمده است: (و ما ارسلنا فی قریه من نذیر الا قال مترفوها انا بما ارسلتم به کافرون و قالوا نحن اکثر امولا و اولاد و ما نحن بمعذبین) (سوره سبأ، آیات ۳۴ و ۳۵)

در هیچ شهری بیم دهنده ای (پیامبری) را به رسالت نفرستادیم مگر اینکه شاد خوران (مترفین و مرفهین بی درد) گفتند ما به این دین که برای ابلاغ آن آمده اید اعتقاد نداریم و گفتند: ما اموال و فرزندان بیشتری داریم و ما عذاب نخواهیم شد.

در ارتباط با نحوه جمع آوری مال و منال توسط شاد خوران مترف احادیث متعددی آمده است که از آن جمله امام صادق (ع) فرمودند: (انما وضعت الزکاه اختیاراً لا غنیاء و معونه لفقراء)

اگر (توانگران و مرفهان) زکاه اموال خود را بدهند هیچ مسلمانی فقیر و نیازمند نخواهد ماند و امام حسن عسگری (ع) فرمودند: (اغنیائهم یسرقون زاد الفقراء) یعنی اغنیاء با احتکار، با اجحاف، با گران فروشی و با کم فروشی زاد و توشه فقرا را سرقت می کنند و حقوق آنها را ضایع می نمایند. اصولاً تحصیل اموال حرام نتیجه ای جز گرایش به اخلاق و کردار حرام نخواهد داشت.

نتیجه :

با تکیه بر آیات قرآن و روایات معصومین (ع) فرهنگ و زندگی تکاثری و عوارض آن ارائه شده تا با شناخت نشانه های فرهنگ و اخلاق تکاثری از گرایش و پردازش به آن اجتناب نموده و نیرو و فکر و ابزار و تعلیمات و تجربه های خود

را برای کسب و تحصیل فرهنگ و زندگی کوثری بکار گیریم که نتیجه آن سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت انسان خواهد بود. نتایج کاربردی این بحث بدین ترتیب است :

۱- شناخت اخلاق رذیله ناشی از فرهنگ و زندگی تکاثری

۲- آسیب شناسی اخلاق رذیله فرهنگ و زندگی تکاثری

۳- تهذیب و تزکیه خود از اخلاق رذیله فرهنگ و زندگی تکاثری

۴- جایگزینی فرهنگ و زندگی کوثری در اخلاق فردی و خانوادگی و اجتماعی



- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، نشر دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ ق
- ۳- اخوان حکیمی (محمد رضا، محمد، علی) الحیة (ترجمه احمد آرام) انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۴
- ۴- المروسی الحویزی، علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان، ۱۳۱۲
- ۵- راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، نشر دوی العربی، ۱۴۲۶ ق، چاپ پنجم
- ۶- سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، چاپ چهارم، ۸۴
- ۷- صدر، سید محمد باقر، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۳۷۵ ش
- ۸- طباطبائی، سید محمد حسین، تفسیر العیزان، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، چاپ پنجم، ۱۳۷۶
- ۹- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه، آخوندی، قم، ۱۳۸۷
- ۱۰- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ق
- ۱۱- مصباح یزدی، محمد تقی، اخلاق در قرآن، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۶
- ۱۲- هاشمی رفسنجانی، اکبر، فرهنگ قرآن، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو مرکز
پرتال جامع علوم انساني